



# پیرامون نگرش دین به فضای مجازی



سید سعیدرضا عاملی \*

وارد شدن در فضای پیچیده مجازی نه تنها پدیده‌ای جذاب است؛ بلکه بسیار فراتر از آن به سبب کاربردهای فراوان و چه بسا آسان نمودن بسیاری از امور؛ به گونه‌ای جدایی ناپذیر با زندگی بشر امروز پیوند خورده است. دنیای مجازی دنیای خیال است، که در آن می‌توان همه چیز را پیگیری کرد، بی آن که با تلاشی فراگیر بخواهیم پرده از ظاهر امور برکشیم و سر از دنیای ریاضی و قوانین صفر و یک مخفی در پشت آن درآوریم. فضای مجازی زمان و مکان نمی‌شناسد، همه جایی و همه مکانی است، مرزها را به سهولت می‌پیماید و در آن واحد از رموزی پرده می‌گشاید که به چنگ آوردن آن‌ها در عالم واقع مستلزم صرف انرژی، زمان و هزینه بسیار است و گاه حتی غیر ممکن می‌نماید.

هستیم. در همین رابطه فضای مجازی؛ همچون صنعتی که ظهور و شروع به بازنمایی کرده، مشکلات فراوانی را هم به همراه دارد.

چنان‌که در آغاز، به کارگیری از فضای مجازی برای امور نظامی بود؛ ولی با گذر زمان نگاه به این پدیده جدی‌تر شد و اکنون فضای مجازی

فضای تجارت، آموزش، پژوهش و زندگی است. حاصل نگاه اولیه به این فضا را روبه‌روشدن با اولین مقوله‌های فضای مجازی؛ یعنی فضای فساد، فضای حضور بیگانگان، فضای تهدیدات و در عین حال حاصل یک نگاه عمیق و بنیادی‌تر به این فضا را وجود قرابت‌های خاص با ذات دین می‌توان خواند.

برای روشن‌تر شدن این بحث به تعریف کلیدواژه‌های اساسی آن می‌پردازیم.

#### ● منظور از امر مجازی

مجاز در لسان عرب معانی خاص دارد، امر مجازی را در مقابل امر حقیقی و گاه در برابر امر محسوس به کار می‌برند. مجاز امر ذهنی در مقابل امر عینی است و استفاده یک لغت خارج از معنای حقیقی آن است؛ ولی مهم‌ترین معنای مجاز عبارت از اثر یک ذات است و نه لزوماً خود ذات.

در این میان تمام معارف بشری مناسبات خاص خود را با این فضا تعریف می‌کنند و قلمروهای خاص خود را دارند و گاه حتی قلمرو و تعریف مفاهیم نیز معنای خود را از دست می‌دهند؛ ولی نسبت دین که تعریف‌ناپذیر، سهل و ممتنع است، با این فضا چگونه است؟ نسبت مجاز با این چگونه

تعریف می‌شود؟ اصطلاح دین مجازی به چه معناست؟ وجود اشتراک و افتراق امر مجازی و امر دینی چیست؟ به کارگیری دین در فضای مجازی چه فواید و چه معایبی به همراه دارد؟ آیا ذات دین با فضای مجازی سازگار است؟ آیا به کارگیری یک ایرانی از دین در فضای مجازی متفاوت از به کارگیری یک فرانسوی از دین در این فضا است؟ دین را باید با فضای مجازی یا فضای مجازی را باید با دین سازگار کرد؟

از سوی دیگر، به موازات شیوه‌های متداول تبلیغ دینی، فضاهای مجازی در این مهم رقابت گسترده‌ای را با شیوه‌های مرسوم آغاز کرده‌اند. فضای مجازی و دین هر دو به لحاظ تکثر ادیان و به لحاظ تکثر مفاهیم موجود در حوزه دین مقوله‌ای بزرگ هستند. ما در مواجهه با پدیده‌های جدید به لحاظ افق دید نیازمند یک نگاه دور و عمیق

● اکنون فضای مجازی فضای تجارت، آموزش، پژوهش و زندگی است. حاصل نگاه اولیه به این فضا را روبه‌روشدن با اولین مقوله‌های فضای مجازی؛ یعنی فضای فساد، فضای حضور بیگانگان، فضای تهدیدات و در عین حال حاصل یک نگاه عمیق و بنیادی‌تر به این فضا را وجود قرابت‌های خاص با ذات دین می‌توان خواند.

### ● معنای دین

متافیزیک امر دینی متافیزیک خالق است. با تولد ذهن عالم مجاز شکل گرفت و به نوعی تفاوت بین «عینیت» و «ذهنیت» تحقق پیدا کرد. با توجه به زمینه‌های تاریخی عینی اجتماعی، تجربه‌های متفاوت عینی و ذهنی تا کنون تجربه شده است. به طور حتم ابزار و صنعت، نوع تعامل با طبیعت و واقعیت، تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری فضای مجازی داشته‌اند.

دین را می‌توان یک مفهوم بزرگ دانست که تعریف‌ناپذیر است و حتی تلاش برخی دانشمندان برای تعریف آن به برشمردن معانی سلبی‌اش انجامیده است. «هرچند برخی از وجوه دین عبارت‌اند از مسیر زندگی، باورهای دینی، اعمال دینی، شعائر دینی، هویت دینی، منهیات دینی؛ ولی بنیادی‌ترین عنصر دین باور به متافیزیک است».

### ● خصلت‌های مشترک امر

#### متافیزیکی و امر مجازی

از آن‌جا که مجاز ارتباط با عالم غیرفیزیکی است، دین نیز به نوعی منعکس‌کننده یک ارتباط با عالم «غیرمادی» است، گذری است از جهان عینی فیزیکی به جهان ذهنی متافیزیکی. در واقع توجهی به سطوح دیگر واقعیت جهان است. درباره غیر محسوس بودن امر مجازی و امر دینی با به‌کارگیری یک تعریف از پتریک مکسول (۲۰۰۲) می‌توان گفت: «دین در ذات خود یک

دین را می‌توان یک مفهوم بزرگ دانست که تعریف‌ناپذیر است و حتی تلاش برخی دانشمندان برای تعریف آن به برشمردن معانی سلبی‌اش انجامیده است. «هرچند برخی از وجوه دین عبارت‌اند از مسیر زندگی، باورهای دینی، اعمال دینی، شعائر دینی، هویت دینی، منهیات دینی؛ ولی بنیادی‌ترین عنصر دین باور به متافیزیک است».

۱. جهان‌شمولی دین؛ دین به این معنا جهانی است، که همه انسان‌ها را شامل می‌شود؛ چنان‌که در ادیان ابراهیمی آشکار است، نیز قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، این «ال» استقراست که به همه انسان‌ها خطاب می‌کند؛ ۲. همه جا حاضر بودن؛ دین همه جا حاضر است و امر مجازی نیز همین‌طور

مقوله مجازی است؛ به این معنا که ریشه دین به یک امر «فرا تجربی» و «غیر مادی» مرتبط می‌شود، که فرد را با روح، معنویت، خدا و قلمروهای فرا طبیعی مرتبط می‌کند؛ بنابراین تعامل دینی نوعی انس گرفتن یا درک امر آن جهانی و انتقال به جهان دیگر و انتقال به مجاز است.

است. در تمام زمان‌ها افراد می‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند؛ چون که حافظه مجازی حافظه ماندگار است؛ ۳. دسترسی فراگیر به فضای مجازی و به خداوند وجود دارد؛

۴. امر متافیزیکی و دینی نظام‌مند است و فضای مجازی هم نظام‌مند می‌باشد. هر چند متافیزیک فضای مجازی مخلوق و

هر چند فضای مجازی، فضایی کاملاً

می‌کند؛ بنابراین ضمن ارتباط برقرار کردن با فضای واقعی، بازنمایی واقعیت در سطح کاملاً متفاوتی، که همراه با تضاد و تقابل با واقعیت است و در موارد بسیار به عنوان یک «ورای واقعیت»، انعکاس پیدا می‌کند. این نگاه مجازی به دین یک تعامل ذهنی محض است، که می‌تواند در گفتار، نوشتار و اثر هنری انعکاس پیدا کند.

از طرفی مفهوم تخیلی دین مجازی از یک تعامل صنعتی برخوردار نیست؛ ولی عناصر ارتباطی و پیام‌رسانی، به صورت قدرتمند در آن مشاهده شده و تعامل فرد با آن یک سویه است.

«دین مجازی رسانه‌ای» یکی دیگر از وجوه دین مجازی است و با این فرض که اگر مجاز را؛ همچون یک امر بازنمایی شده ببینیم می‌توان نتیجه گرفت، که رسانه هر کاری راجع به دین انجام می‌دهد، بازنمایی و بازتولید شده است، مثل پخش مراسم دعای کمیل.

مطرح شدن مفهوم دین مجازی مربوط به نیمه اول دهه ۱۹۹۰ است، که استفاده‌های اولیه آن، هر نوع انعکاس عام از دین در اینترنت می‌باشد. چنان‌که «دالسون» در یک تعریف، دین مجازی را صرفاً سازمان‌ها یا گروه‌های دینی‌ای می‌دانست، که در فضای مجازی حضور پیدا می‌کنند. واقعی شدن مجاز دینی و مجازی شدن

صنعتی و مادی است؛ ولی انتقال به «جهان دیگر» است، که از خصیصه‌های جهان مادی عینی برخوردار نیست. با روشن شدن مفاهیم اساسی بحث؛ یعنی دین و مجاز یا فضای مجازی هنوز ترکیب «دین مجازی» آشکار نشده؛ به همین دلیل معنای دین مجازی بر مبنای پنج متغیر اساسی عبارت‌اند از:

۱. تصویرسازی: به این معنا که گاه شخص به زیارت امام رضا (ع) می‌رود و گاه به صورت برخط حرم شریفه را زیارت می‌کند، چه از اینترنت و چه از تلویزیون؛

۲. تخیلی بودن؛

۳. بازنمایی واقعیت: به این معنا که فضای مجازی، فضای بازنمایی شده است و شخص در یک فضای بازنمایی شده امر دینی را درک می‌کند و با آن ارتباط برقرار می‌کند؛

۴. صنعتی بودن؛

۵. تعاملی بودن.

بر اساس این پنج متغیر؛ دین مجازی تخیلی مفهومی است که به نگاه تخیلی و استعاری از دین برمی‌گردد؛ در واقع به ما فرصتی می‌دهد تا تخیلات دینی‌مان را تبدیل به یک امر واقعی در جهان مجازی کنیم. دین مجازی تخیلی، از عنصر تصویرسازی و تخیل در سطح وسیعی استفاده می‌کند و فرد را به یک «فضای ساختگی» که ارتباط معناداری با «واقعیت دینی» ندارد منتقل

«دین در ذات خود یک مقوله مجازی است؛ به این معنا که ریشه دین به یک امر «فرا تجربی» و «غیر مادی» مرتبط می‌شود، که فرد را با روح، معنویت، خدا و قلمروهای فرا طبیعی مرتبط می‌کند.

ناآشنا با معنای فضای مجازی می‌باشد که این افراد باقیمانده در فضای آنالوگ خواهند بود.

تعاملی شدن در فضای مجازی منجر به ایجاد تأثیرات فراوان بر امر دینی است، «تعاملی بودن این فضا؛ یعنی تعامل در جهان واقعی را بر مبنای حضور در یک فضای متافیزیکی تعریف می‌کنیم؛ به این گونه، که هر کجا می‌خواهی باش باز هم

امکان گفت و گو هست. این سیستم رفتار تمام انسان‌ها را تبدیل به رابطه غایب با غایب می‌کند؛ بی آن که شخص حضور داشته باشد. ویژگی‌های دیگر هابیرلینک شدن این فضاست؛ یعنی تعاملات بسیاری می‌تواند در این جا

اتفاق بیفتد. این فضا یک فضای همه پنجره باز است، یک جهان پیوسته نیست؛ به این معنا، که هر جا کلیک کنید وارد فضای دیگری می‌شود، پس جهان متن در متن و دین در دین است.» وضعیت غیر مرکزی شدن و مرکزی شدن امر دینی را می‌توان یک امر پارادوکسیکال توصیف کرد؛ یعنی دین در این جا مرکزیت دارد؛ زیرا در **welo** اتفاق می‌افتد و غیر مرکزی است؛ چون از همه جهان در آن وجود دارد. بومی‌سازی؛ یعنی کیفیتی را تولید کن که

واقعیت دینی در جهان واقعی و مجازی صورت می‌گیرد؛ برای مثال شاید پیش‌تر اگر کسی تنها در مجلس امام حسین علیه السلام می‌نشست احساس خاصی پیدا می‌کرد؛ ولی اکنون شخصی با گوش دادن به نوار هم می‌تواند همان حال را پیدا کند؛ بدین طریق دین یک نوع تعامل واقعی با این فضا انجام می‌دهد. این آن چیزی است که ما از آن به مجازی شدن و واقعیت و واقعی شدن مجاز دینی منظور می‌کنیم.

«دو فضایی شدن شهر» از عناصر بنیادین مجازهاست: دیجیتالی بودن؛ یعنی تبدیل یک امر آنالوگ به یک امر ریاضی. بدین شکل، که آنچه ما در جهان مجازی می‌بینیم صرفاً یک ظاهر است و آنچه پشت آن وجود دارد جهان اعداد و قوانین صفر و یک است؛ به

همین دلیل است، که می‌توان گفت تصویر را نصف کن؛ چون که تمام قوانین ریاضی (-، +، x) حاکم است. دیجیتالی شدن امر دینی؛ یعنی دین بی‌نهایت تنوع، تغییر و ترکیب پیدا می‌کند، به این گونه که دین بی‌نهایت تنوع دسترسی می‌یابد.

توصیف تولید امر آنالوگ برای یک کار و توصیف تولید یک امر دیجیتال برای بی‌نهایت کار می‌باشد و کسانی را که با فضای دیجیتال رفتار آنالوگ می‌کنند؛ یعنی اطلاعات را به صورت ثابت وارد فضای دیجیتال می‌کنند،

ما از جهانی شدن صحبت می‌کنیم؛ ولی هنوز گرفتار جهانی سازی هستیم و فکر نمی‌کنیم جهانی شدن، رابطه با غایب و فرامکان است و در این منطق امکان تعریف مدیریت شهری متفاوتی وجود دارد و این در بستر روندها و کار مجازی متفاوتی قرار می‌گیرد.

زمان فیزیکی انجام می‌شود با فاصله همان کار در زمان مجازی بررسی شود، بهینه‌بودن ترکیب زمان را به ما می‌دهد؛ برای مثال ارسال یک نامه در فضای واقعی مستلزم صرف زمان زیادی است؛ درحالی‌که در فضای مجازی با یک کلیک و با استفاده از email فرستاده می‌شود.

ما از جهانی‌شدن صحبت می‌کنیم؛ ولی هنوز گرفتار جهانی‌سازی هستیم و فکر

نمی‌کنیم جهانی‌شدن، رابطه

با غایب و فرا مکان است و

در این منطق امکان تعریف

مدیریت شهری متفاوتی وجود

دارد و این در بستر روندها و کار

مجازی متفاوتی قرار می‌گیرد.

در پاسخ به این سؤال،

که آیا فضای مجازی

می‌تواند حس مذهبی را

منتقل کند؟ باید به این

واقعیت توجه کرد، که هرچند جهان

مجازی نمی‌تواند جایگزین جهان

واقعی شود؛ ولی آیا باید به این دلیل

از این جهان بهره نبرد؟ یا اگر کسی

نمی‌تواند برای زیارت به مکه برود

نمی‌تواند از زیارت برخط استفاده کند؟

اگر به‌جای هزار طبقه ساختمان یک

وب‌گاه هزار طبقه تولید کنیم و نگذاریم کوه

تخریب شود و این همه تبدیلات در طبیعت

شکل گیرد، تمام امور ساختمانی قابل انتقال

به این فضا است.

هر کجا برود، بومی شود و در همه جا قابل استفاده باشد، نه این‌که ابتدا زبان، ادبیات، فرهنگ مردمی را بررسی و سپس چیزی متناسب با آن تولید کن؛ بنابراین اگر تصمیم گرفته شد برای هر مسجدی برنامه‌ریزی کنند، بهتر است یک برنامه کیفی قوی بریزند، که همه مساجد بتوانند از آن استفاده کنند و این همان معنای یک‌بار تولید و بی‌نهایت بار استفاده از آن است.

بررسی اتفاقاتی را که برای

دین در فضای مجازی می‌افتد

منوط به داشتن یک نگاه

فورمولوژیک و بررسی سه متغیر

دین را در بستر مکان مجازی،

زمان مجازی خواهد بود:

۱. باید دین را در بستر مکان

مجازی بررسی کرد: مکان

فیزیکی مکان محدودیت است

و مکان مجازی محیطی است،

که در دسترس همگان قرار می‌گیرد.

۲. دین در بستر زمان مجازی: بنیان

تئوری اینشتین و نیوتن با زمان مجازی به

هم می‌ریزد؛ چون که در تعاریف آن‌ها زمان

فیزیکی یک زمان خطی است؛ باید آنی بمیرد

و آن دیگر متولد شود؛ درحالی‌که در فضای

مجازی مرگ زمان نداریم و رابطه خطی میان

آنات وجود ندارد؛ بنابراین موضوع زمان نسبی

موضوع ابدیت است؛ یعنی همان عنصری که

در دین وجود دارد.

بدین طریق، که اگر فاصله بین کاری که در

با استناد به سخنی از پیامبر اکرم ﷺ می‌توان گفت: «که چیزی بهتر از نیکی کردن به دیگران و پرهیز از آزار خود و دیگری نیست»؛ بنابراین «عرصه مجاز در صورت استفاده نیک از آن عرصه‌ای خواهد بود، که سبب کم‌شدن آزار مردم و انجام کار خیر می‌شود.

به دیگران و پرهیز از آزار خود و دیگری نیست؛ بنابراین «عرصه مجاز در صورت استفاده نیک از آن عرصه‌ای خواهد بود، که سبب کم شدن آزار مردم و انجام کار خیر می‌شود؛ چون که در عرصه مجاز نیازی نیست، که شخص برای انجام یک کار اداری این قدر آزار ببیند؛ دیگر این که از ویژگی‌های جهان مجازی، که جهان نظام و برنامه است می‌تواند به نوبه خود سبب اجرا شدن عدالت در عمیق‌ترین لایه‌های آن شود.

### پی‌نوشت:

\* عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی.

در یک شهر مجازی می‌توان ۸۵ لایه تعریف کرد و در آن لایه «خدا در شهر» را گذاشت، تا افراد در این لایه بتوانند امری را که خدا گفته انجام دهند؛ برای مثال کمک به مستمندان. از مهم‌ترین فواید فضای مجازی تحقق خاص‌گرایی دینی و عام‌گرایی دینی است؛ «عام‌گرایی همان حوزه اشتراکات ما با دیگر ادیان است و خاص‌گرایی دین، مرزهای تمایز ادیان مختلف در جهان است، که مسلمانان را از مسیحیان یا مسیحیان را از یهودیان جدا می‌کند؛ ولی کم‌رنگ شدن عوامل زمینه‌ای دینی مثل قومیت، نژاد، یا حتی تمایزات جنسیتی موجب پررنگ شدن عوامل مربوط به "متن دین" و قوی شدن حوزه خودآگاه و ضعیف شدن "عصبیت‌ها" خواهد شد».

با استناد به سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌توان گفت: «که چیزی بهتر از نیکی کردن

